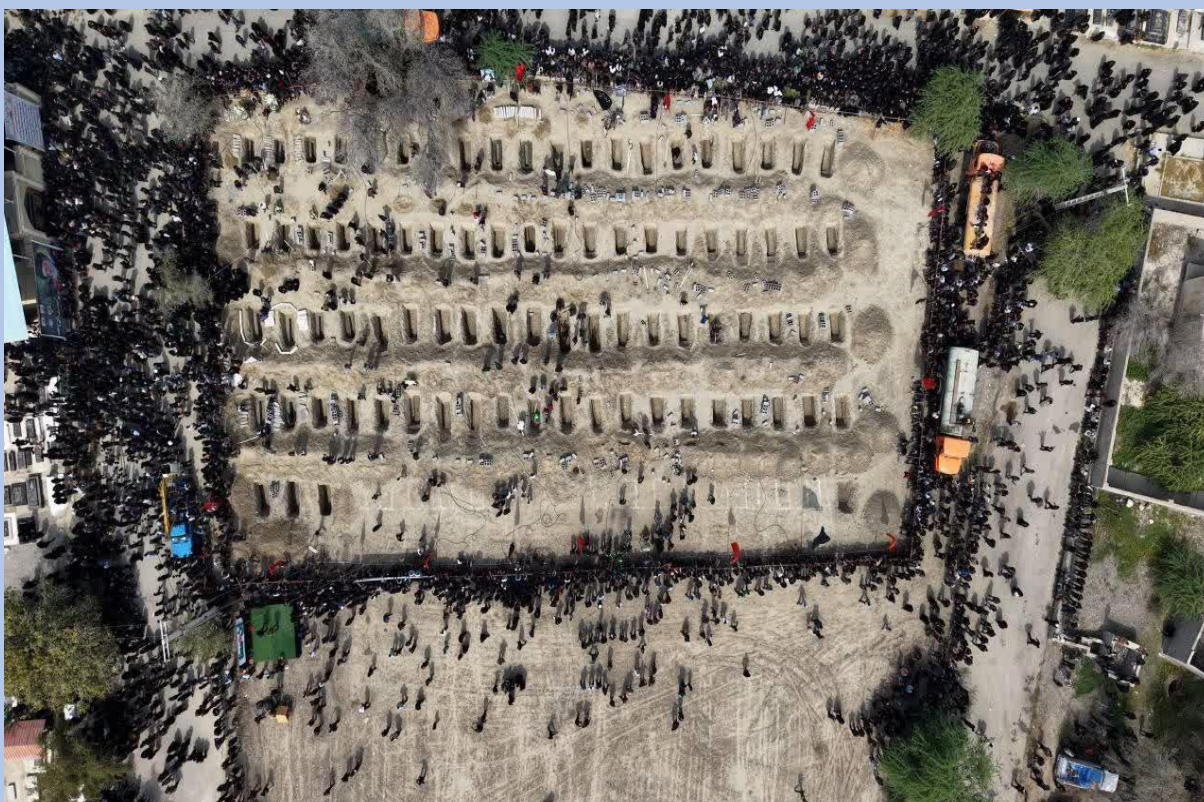




Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



ارزیابی میزان قانونی بودن استفاده از زور درمخاصمه ایالات متحده، اسرائیل و ایران در سال ۲۰۲۶
یک تحلیل از منظر حقوق بین الملل

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
زمستان ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴، در سطح جهانی واکنش‌های گسترده‌ای نزد ملت‌های مختلف شکل گرفت. این واکنش‌ها در مواردی مشابه بازتاب‌های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی، نمودهای برجسته‌تر داشت به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی‌ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قرار دادن ورزشگاه و خانه‌های مردم در لامرد با بمب‌های خاص دارای آثار ضد انسانی گسترده، هدف قرار دادن ده‌ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیرسازهای مردمی ایران و هم‌چنین شهادت بیش از سه هزار شهروند بیگناه ایرانی توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته‌های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می‌سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت‌ها موضع‌گیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته‌اند، به طور طبیعی از حقوقدانان بین‌المللی و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا انتظار بیشتری می‌رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را درک می‌کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی می‌شود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از حقوقدانان بین‌المللی یا اساتید و کارشناسان فعال حقوقی در سطح جهانی واکنش‌های مناسبی داشتند و محتواهای قابل قبولی را منتشر کردند. اما بعضی افراد یا نهادها متأسفانه به هر علت و انگیزه‌ای سکوت پیشه کرده و مطلبی مفید را بازتاب ندادند. گروه سوم به بیان مطالب دو پهلو و مبهم و بی‌خاصیت رو آوردند و نهایتاً گروهی نیز در خدمت متجاوزان قرار گرفته و تلاش کردند تا با آسمان و زمین به هم بافتن جنایات آشکار متجاوزان را توجیه کرده یا کم‌رنگ جلوه دهند. در بسیاری از متون منتشره فعالان حقوقی در مغرب زمین این پدیده نیز مشهود بود که اگر چند مطلب مثبت علیه تجاوز به ایران گفته‌اند از بیان برخی مطالب منفی علیه ایران نیز با عبارت‌های متنوع دریغ نورزیده‌اند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام حقوقدانان یا نهادهای حقوقی و با چه کیفیت فنی و علمی و در چه منابع تخصصی موضع‌گیری شفاف‌تری در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به ایران داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص متون منتشره ذیربط داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد. گزارش حاضر یکی از سلسله گزارشاتی است که به معرفی آثار مورد اشاره اختصاص یافته است.

نویسنده اصلی مقاله که یک دانشیار حقوق در دانشگاه‌های هند است با کمک دستیارش که در مراکز آموزشی هند فعالیت می‌کند یک هفته بعد از وقوع تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران این مقاله را تقریر و در یک مجله دیجیتال منتشره در فیلیپین منتشر کرده است. وی در این نوشتار سعی کرده ابعاد اقدام آمریکا و اسرائیل را از منظر حقوق بین الملل تحلیل و پیامدهای آن بر جامعه و دولت هند را نیز مورد بحث قرار دهد. قلم نویسنده روان نیست و جملات بعضاً فشرده و بدون بیان کلمات لازم بیان شده که همین امر ویرایش و نهایی سازی متن به نسبت متون روان انگلیسی را با پیچیدگی‌هایی مواجه ساخت. نویسنده مقاله، جنگ علیه ایران را به تعبیر بکار رفته در گذشته تاریخ حقوق بین الملل با عنوان «**جنایت بین المللی اعظم**» توصیف می‌کند که پیامد آن وقوع جرایم متعددی است که عوامل آن باید در قبال همه آنها پاسخگو باشند. وی هم چنین از همه طرف ها می‌خواهد که به منشور ملل متحد بازگردند و...

امور پژوهشی کمیسیون ضمن تاکید بر این که نظرات تخصصی ارائه شده از سوی هر نویسنده از جمله مولفین نوشتار حاضر، دیدگاه‌های شخصی خود آنهاست و ترجمه و انتشار این قبیل آثار به معنای تائید همه مطالب مطرح شده نیست بلکه فرصتی فراهم می‌آورد که جامعه علمی یا مسئولان و سیاستگذاران کشور با اشراف به نظرات منتشره در سطح جهانی تحرک عالمانه تری از خود نشان دهند، بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که در گزارش پیش رو، توضیحات متعددی در زیر نویس مقاله درج گردید یا کلماتی داخل براکت [] در متن افزوده شد یا معادل انگلیسی برخی کلمات در زیر نویس قید شد تا بهره برداری از متن دقیق تر انجام پذیرد. به عبارت دیگر، کلیه مطالب اعلام شده در زیر نویس صفحات مقاله حاضر، در مرحله ترجمه و ویرایش و نهایی سازی متن فارسی افزوده شده است و در متن اصلی انگلیسی هیچ ارجاع زیر صفحه ای ندارد و صرفاً عناوین منابع مورد رجوع نویسنده در پایان مقاله درج شده است.

نقد و ارزیابی فنی و مستقل دیدگاه‌های حقوقی مطرح شده در خصوص تجاوز به ایران از جمله دیدگاه‌های مطرح شده در این مقاله، مجال موسعی می‌طلبد که جداگانه باید انجام شود.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی‌های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت‌ها برای پیشبرد حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت‌های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده به شرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران / اسفند ۱۴۰۴

♦ نویسنده: دکتر ساندیپ گهلوت، دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه مادهاو، پیندوارا، سیروهی، هند / سورندرا
سینگ دئورا، معلم مدرسه دولتی متوسطه، بهارجا، پیندوارا، سیروهی، هند
♦ برگردان متن انگلیسی به فارسی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، اسفند ۱۴۰۴
♦ مآخذ: فصلنامه بین المللی پژوهش و تحلیل ورساتل، مارس ۲۰۲۶

IJVRA | Volume ۴, Issue ۳, March ۲۰۲۶ | ISSN: ۸۹۰۳-۲۹۸۴ | IJVRA.ORG

♦ شناسه متن: ۰۴/۴/۴۱۰

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.
امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در
راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المنفعه نیز برای همه میسر است.
www.ihrcc.ir

ارزیابی [میزان] قانونی بودن استفاده از زور درمخاصه ایالات متحده، اسرائیل و ایران در سال

۲۰۲۶: یک تحلیل [از منظر] حقوق بین الملل

نوشته دکتر ساندیپ گهلوت دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه مادهاو، پیندوارا، سیروهی، هند و آقای سورندرا

سینگ دئورا معلم مدرسه دولتی متوسطه، بهارجا، پیندوارا، سیروهی، هند

(مارس ۲۰۲۶ برابر با اسفند ۱۴۰۵)

چکیده:

جنگ آمریکا-اسرائیل-ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ با عملیات شیر غُران (اسرائیل) و عملیات خشم حماسی (ایالات متحده) آغاز شد که پرسش‌های مهمی را در مورد اصول اساسی حقوق بین الملل مربوط به استفاده از زور برانگیخت. حملات هوایی هماهنگ، بیش از ۲۰ تأسیسات هسته‌ای ایران، مراکز فرماندهی سپاه پاسداران و رهبری [ایران] را هدف قرار داد که به ترور آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در تهران منجر شد - اقدامی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، آن را برای تغییر رژیم، خنثی‌سازی تهدیدات هسته‌ای و برچیدن برنامه‌های موشکی، به‌ویژه با توجه به غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم ایران و حمایت آن از گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله، حوثی‌ها و حماس، ضروری توصیف کرد.

تا روز هفتم [جنگ] (۶ مارس ۲۰۲۶)، اوضاع به طور قابل توجهی وخیم‌تر شد: ایران که با حملات تاماهاوک به تهران، بیروت و زیرساخت‌های نفتی مواجه شده بود، [از طریق] عملیات وعده صادق چهار بیش از ۳۰۰ موشک بالستیک و پهپاد را به سمت پایگاه‌های آمریکایی (العدید قطر، بحرین)، فرودگاه‌های اسرائیل و بنادر خلیج [فارس] شلیک کرد. طبق گزارش‌های ایران، تلفات غیرنظامیان از ۵۰۰۰ نفر فراتر رفته است، از جمله حمله به مدرسه دخترانه میناب (۱۶۵ کودک)، سالن ورزشی لامرد (۱۸ نوجوان) و بیمارستان گاندی - این رویدادها توسط [سازمان] دیده‌بان

^۱. دروغ آشکاری که برخلاف گزارشات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. برابر گزارشات آژانس مزبور، میزان مشخصی غنی‌سازی ۶۰ درصدی در ایران انجام شده که کاملاً تحت حفاظت است و هر گونه تصمیم‌گیری در مورد آینده آنها تابع توافق ایران با مخالفان بهره‌برداری ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای می‌باشد. فلذا هیچگاه غنی‌سازی ۹۰ درصدی در ایران انجام نشده است اگرچه ایران توان علمی انجام این کار را دارد. (توضیح افزوده بر متن)

حقوق بشر به عنوان [اقدام جنگی] نامتناسب تأیید شده است. طبق بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، چنین حملات پیشدستانه ای^۳ تجاوز مفروض^۴ محسوب می‌شوند، زیرا فاقد مجوز شورای امنیت یا حمله مسلحانه قبلی [از سوی ایران] هستند.

ایالات متحده و اسرائیل با استناد به ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] در مورد دفاع از خود، تهدیدهای قریب‌الوقوع بر اساس دکرین بگین^۵ و معیارهای کارولین^۶ (ضرورت، تناسب)، را [برای توجیه اقدام خود] مطرح می‌کنند، اما کارشناسانی مانند گزارشگر سازمان ملل، بن سائول، این ادعا را در غیاب قریب‌الوقوع بودن [تهدید] تأیید شده، به چالش می‌کشند و آن را «جنایت بزرگ» نورنبرگ^۷ می‌نامند. نقض مجموعه حقوق حاکم در خلال جنگ^۸ کنوانسیون‌های ژنو، مواد ۴۸، ۵۱، ۵۲ پروتکل اول) در حملات به اماکن غیرنظامی بدون توجیه نظامی آشکار است. عواقب این مخاصمه، خطری برای ثبات نظم پس از جنگ جهانی دوم ایجاد می‌کند: وتوهای ۵ عضو دائم [شورای امنیت] مانع از اجرای [قواعد مربوط به نظم پس از جنگ جهانی دوم] می‌شود و بحث‌هایی مشابه مورد [بحران] کوزوو با عنوان کاربرد زور «غیرقانونی اما مشروع»^۹ را دوباره شعله‌ور می‌کند. احتمال دخالت روسیه و چین وجود دارد. انتظار می‌رود [این جنگ] اختلال‌هایی در چارچوب‌های معاهده عدم اشاعه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^{۱۰} و پویایی بریکس ایجاد کند. این سناریو مستلزم برگزاری جلسات [مجمع عمومی ملل متحد با عنوان] اتحاد برای صلح، احیای دیپلماسی و

^۲. Disproportionate

^۳. Pre-emptive strikes

^۴. Presumptive aggression

^۵. The Begin Doctrine

دکرین بگین را در متون تخصصی این گونه توصیف می‌کنند: اصطلاح رایج برای سیاست حمله پیشگیرانه اسرائیل در رابطه با توانایی دشمنان بالقوه این رژیم که از ۱۹۶۲ تاکنون در عملیات‌های مختلف دولت‌های وقت اسرائیل پیگیری شده است. (توضیح افزوده بر متن)

^۶. Caroline criteria

آزمون کارولین (The Caroline test) برگرفته از یک حادثه بین کانادا و آمریکا در سال ۱۸۳۷ و در مرزهای این دو کشور است. در برخی متون گفته شده است که فرمول برگرفته از حادثه مزبور جزو حقوق بین‌الملل عرفی قرن نوزدهم است که پس از جنگ جهانی دوم توسط دادگاه نورنبرگ مجدداً تأیید شده و تصریح گردیده که ضرورت دفاع پیشدستانه وقتی قابل قبول است که تهدید «فوری، فراگیر و بدون هیچ گونه امکان انتخاب وسیله و راه دیگر جز حمله نظامی و بدون وجود مجالی برای تأمل بیشتر» باشد. بسیاری از اساتید حقوق بین‌الملل حمله پیش‌دستانه با استناد به این قبیل معیارها را برخلاف ماده ۵۱ منشور ملل متحد دانسته و تأکید کرده‌اند که بعد از تدوین منشور سازمان ملل فقط باید حمله مسلحانه علیه یک کشور واقع شود تا حق دفاع مشروع محقق گردد. اغلب دولت‌های غربی و اسرائیل که طی ۸ دهه گذشته پیشقدم حملات نظامی به کشورهای مختلف بوده‌اند این قبیل معیارها را برای توجیه اقدامات خود مطرح کرده‌اند. (توضیح افزوده بر متن)

^۷. The Nuremberg 'supreme crime'

^۸. Jus in bello

^۹. Illegal but legitimate force

^{۱۰}: NPT/IAEA

تحقیقات [کیفری] توسط دیوان کیفری بین المللی است. چالش‌های پیش روی [کاربرد] قدرت جنگی ایالات متحده همانطور که در قطعنامه مشترک دو حزبی کنگره آمریکا به شماره ۳۸ منعکس شده است، در حال ازدیاد است.

کلمات کلیدی: حقوق جنگ، منشور سازمان ملل، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، عملیات شیر غران، خشم حماسی

وقایع نگاری مخاصمه و زمینه‌های واقعی

عامل اصلی جنگ، مجموعه‌ای از حملات هوایی پیش از طلوع آفتاب در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ بود که با همکاری بمب‌افکن‌های بی ۲ ایالات متحده و جت‌های اف ۳۵ اسرائیل انجام شد و بیش از ۲۰ تأسیسات هسته‌ای ایران، مراکز فرماندهی سپاه پاسداران و مکان‌های رهبری را هدف قرار داد. از جمله تلفات قابل توجه، آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، بود که در حمله‌ای به محل اقامتش در تهران کشته [شهید] شد، رویدادی که رئیس جمهور ترامپ آن را به عنوان اقدامی حیاتی در جهت «آزادسازی ایران از رژیم تروریستی‌اش» ستود. این عملیات‌ها پس از ماه‌ها تنش فزاینده، از جمله رسیدن غنی‌سازی اورانیوم ایران به خلوص ۹۰٪ - نزدیک به درجه تسلیحاتی - و ارائه موشک‌های پیشرفته به نیروهای نیابتی^{۱۱} مانند حزب‌الله و حوثی‌ها، انجام شد.

تا روز هفتم [جنگ] (۶ مارس)، درگیری در سراسر منطقه گسترش یافته است. ایران با بیش از ۳۰۰ موشک بالستیک و پهپاد به پایگاه‌های ایالات متحده در عراق، قطر (العیدید) و بحرین و همچنین فرودگاه‌های اسرائیل در نزدیکی تل‌آویو پاسخ داد. حملات متقابل ایالات متحده و اسرائیل، تهران، حومه بیروت و بنادر خلیج [فارس] را به شدت بمباران کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که گروه‌های ناو هواپیمابر ایالات متحده موشک‌های تاماهاوک را علیه زیرساخت‌های نفتی ایران پرتاب کرده‌اند.

آمار تلفات مورد اختلاف است: ایران ادعا می‌کند که [تا روز هفتم جنگ] بیش از ۵۰۰۰ غیرنظامی جان خود را از دست داده‌اند، از جمله حملات فاجعه‌بار به مکان‌های غیرنظامی - یک مدرسه دخترانه در میناب (۱۶۵ کودک کشته

^{۱۱}. از بس آمریکا و اسرائیل و همفکران آنها و جریان رسانه‌ای در اختیارشان تعبیر نیروهای نیابتی ایران را برای برخی جنبش‌های آزادیبخش مقاومت کننده در مقابل اشغالگری و تجاوزات اسرائیل و همفکر با آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران بکار برده‌اند که نویسنده نیز همان تعبیر را تکرار کرده است بی آنکه دقت کند که اسرائیل در واقع مهم‌ترین نیروی نیابتی آمریکا و دیگر کشورهای غربی در غرب آسیاست که بنا به گفته صد اعظم آلمان همواره کارهای کثیف آنها را انجام می‌دهد.

شدند)، یک مجتمع ورزشی در لامرد (۱۸ نوجوان) و بیمارستان گاندی در تهران (بیش از ۲۰۰ بیمار). تأیید مستقل از سوی [سازمان] دیده‌بان حقوق بشر، ادعاهای مربوط به تلفات نامتناسب غیر نظامیان را تأیید می‌کند.

در داخل آمریکا، سنای ایالات متحده در ۴ مارس قطعنامه دو حزبی برای استناد به قطعنامه اختیارات جنگی سال ۱۹۷۳ [برای محدودسازی اختیارات رئیس جمهور] را رد کرد و بدین ترتیب اجازه داد حملات بدون اعلام رسمی [و کسب مجوز از کنگره] ادامه یابد. رئیس جمهور ترامپ که در ژانویه ۲۰۲۵ به قدرت رسید، این مخاصمه را تحقق وعده‌های انتخاباتی علیه تجاوز ایران توصیف کرد و مدت زمان آن را چهار هفته پیش‌بینی کرد. این وضعیت، لزوم بررسی قانونی را در بحبوحه تشدید سریع تنش‌ها برجسته می‌کند.

چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی اصلی

منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) به عنوان سنگ بنای حقوق بین‌الملل مدرن در تنظیم منازعات مسلحانه عمل می‌کند و به طور جهانی توسط ایالات متحده، اسرائیل و ایران - بازیگران کلیدی در جنگ جاری - تصویب شده است. بند ۴ ماده ۲ [منشور] به صراحت تهدید یا استفاده از زور را ممنوع می‌کند: "همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا به هر روش دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت دارد، خودداری کنند." این اصل ناظر به «حقوق بر جنگ» [یا حقوق ناظر به تعیین شرایط توسل به زور] پس از جنگ جهانی دوم، برای غیرقانونی کردن جنگ تهاجمی تثبیت شد و منعکس‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی است که حتی کشورهای غیر عضو سازمان ملل را نیز ملزم [به رعایت] می‌کند، همانطور که در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده دیوان دادگستری بین‌المللی (۱۹۸۶)^۲ در دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید شده است. این اصل میراث پیمان بریاند-کلوگ (۱۹۲۸) را بازتاب می‌دهد که غلبه با زور [در روابط بین‌الملل] را محکوم می‌کند و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را الزامی می‌داند.

استثنائات ممنوعیت [توسل به زور]: حقوق بر جنگ

دو استثنای محدود وجود دارد که استفاده از زور را مجاز می‌داند. مورد اول دفاع از خود طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد است که «حق ذاتی دفاع از خود به نحو فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد» را حفظ می‌کند و تا زمان مداخله شورای امنیت ادامه می‌یابد. تفاسیر قضایی، وقوع یک «حمله مسلحانه»

^۲ Nicaragua v. United States ICJ ruling (1986)

عمده^{۳۱} را [برای تحقق حق دفاع مشروع] ضروری می‌دانند - یعنی تهاجم‌های جدی فرامرزی،^{۳۲} نه صرفاً درگیری‌ها و تعدیات [پراکنده] مرزی^{۳۳} یا اقدامات نیابتی،^{۳۴} همانطور که در پرونده فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۹۸۶ تصریح شده است. معیارهای کلیدی شامل فوریت، ضرورت و تناسب است.

مفهوم دفاع مشروع پیشدستانه،^{۳۵} بحث‌های مهمی را برانگیخته است. برخی از طرفداران به بسط «تهدید قریب الوقوع» - برگرفته از [استاندارد] «راه و وسیله دیگری برای انتخاب باقی نمانده باشد»^{۳۶} [در قضیه] کارولین - اشاره می‌کنند، با این حال دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده دعوی نیکاراگوئه علیه آمریکا، مین‌گذاری بنادر نیکاراگوئه توسط ایالات متحده را در غیاب یک حمله واقعی رد کرد [و مصداق حمله مسلحانه عمده ندانست] و بر تفسیر سختگیرانه متن [منشور] تأکید نمود. پرونده سکوه‌های نفتی (ایران علیه ایالات متحده، دیوان بین‌المللی دادگستری ۲۰۰۳)^{۳۷} این مفهوم را بیشتر محدود کرد. دیوان حکم داد که حملات ایالات متحده به سکوه‌های نفتی ایران علیرغم حوادث قبلی خلیج فارس، غیرقابل توجیه بوده است [یعنی نمی‌تواند به عنوان دفاع مشروع توسط آمریکا مطرح گردد].

پذیرش عرفی پیشدستی^{۳۸} [در توسل به زور] همچنان مبهم و نامشخص است؛ دکتین بوش، استراتژی امنیت ملی ایالات متحده (۲۰۰۲)، که از جنگ پیشگیرانه^{۳۹} علیه تهدیدات دوردست حمایت می‌کرد، بارز گسترده جهانی روبرو شد. در چارچوب وضعیت [تنش بین] ایالات متحده-اسرائیل-ایران، ادعاهای مربوط به «قریب الوقوع بودن» هسته‌ای^{۴۰} ایران باید توسط اطلاعات دقیق و معتبر در مورد قابلیت‌های آماده پرتاب [سلاح‌های هسته‌ای] تأیید شود - شواهد عمومی [در دسترس برای تأیید قریب الوقوع بودن خطر مذکور] تا ۶ مارس ۲۰۲۶ وجود ندارد. [پس ادعای وجود تهدید قریب الوقوع از ناحیه ایران برای توجیه توسل به زور آمریکا و اسرائیل هیچ مبنایی ندارد]

علاوه بر این، فصل هفتم منشور به شورای امنیت اختیار می‌دهد تا اقدامات اجرایی علیه «تهدیدات علیه صلح» (ماده ۳۹) را تصویب کند، همانطور که در قطعنامه شماره ۸۳ مربوط به جنگ کره (۱۹۵۰) یا قطعنامه شماره ۶۷۸ مربوط به

^{۳۲} Significant armed attack

^{۳۳} Cross-border incursions

^{۳۴} Border skirmishes

^{۳۵} Proxy actions

^{۳۶} Anticipatory self-defence

^{۳۷} No choice of means

^{۳۸} The Oil Platforms case (Iran v. United States, ICJ 2003)

^{۳۹} Pre-emption

^{۴۰} Preventive warfare

^{۴۱} Nuclear imminence

جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰) دیده می‌شود. و توهای اعضای دائم (پنج عضو دائم، از جمله ایالات متحده) این امر را در سناریوی فعلی غیرقابل اجرا می‌کند، و پیش‌نویس‌ها در بحبوحه درگیری جاری به درب بسته می‌خورند. در غیاب این راه‌ها، استفاده از زور، تجاوز مفروض [مقرر در منشور ملل متحد] تلقی می‌شود و طبق قطعنامه شماره ۳۳۱۴ (سال ۱۹۷۴) مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان «جنایت بین‌المللی اعظم»^{۲۳} قابل پیگرد قانونی است که منعکس کننده اصول تعیین شده در نورنبرگ است.

حقوق حاکم در جنگ^{۲۴}: رفتار طرف‌های خاصه

حقوق حاکم در مخاصمات، جدا از حقوق بر جنگ [یا حقوق ناظر به تعیین شرایط توسل به زور] رفتار در زمان جنگ را تنظیم می‌کند و از طریق چهار کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹)، تصویب شده توسط همه طرف‌ها) و پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷، با الحاق ایالات متحده و اسرائیل به موازین اصلی)، به طور جهانی الزام آور است. ماده ۳ مشترک [کنوانسیون‌های ژنو]، خشونت علیه جان، شکنجه و رفتار تحقیرآمیز را در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی ممنوع می‌کند، که در اینجا به مخاصمات بین‌المللی نیز تعمیم داده شده است. پروتکل اول [الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در این خصوص نکات مهمی را] مقرر می‌دارد: ماده ۴۸ آن تمایز بین "رزمندگان و غیرنظامیان"^{۲۵} را الزامی می‌داند؛ ماده ۵۱ (۴) آن حملات بی‌هدف و کورکورانه (مثلاً رگبارهای هدایت‌نشده)^{۲۶} را ممنوع می‌کند؛ ماده ۵۱ در بند ۵ قسمت ب تلفات نامتناسب غیرنظامیان^{۲۷} را ممنوع می‌کند.

اشیاء [و اماکن] غیرنظامی که طبق ماده ۵۲ [پروتکل یاد شده] مفروض دانسته شده که مورد حمایت هستند] و نباید مورد هدف نظامی قرار گیرند] تنها در صورت استفاده نظامی ایجابی^{۲۸} ممکن است [هدفی مشروع] تلقی شوند - نزدیکی صرف [به امور نظامی] کافی نیست. مدارس و بیمارستان‌ها از حمایت‌های بیشتری برخوردار می‌شوند: کنوانسیون چهارم ژنو در ماده ۱۸ بیمارستان‌ها را در صورت عدم تبدیل به مکان نظامی، مصون از تعرض می‌داند؛ پروتکل اول [الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو] در ماده ۱۲ خود این موضوع را گسترش می‌دهد و اعلام هشدارها را قبل از حمله الزامی می‌کند. پرتاب موشک به مدرسه دخترانه میناب (۱۶۵ کودک کشته شدند) و بمباران بیمارستان گاندی

^{۲۳} Supreme international crime

^{۲۴} Jus In Bello

^{۲۵} Combatants and civilians

^{۲۶} Unguided barrages

^{۲۷} Disproportionate civilian casualties

^{۲۸} Affirmative military use

(بیش از ۲۰۰ کشته)^{۲۹} نمونه‌هایی از نقض‌هایی هستند که بدون استفاده دوگانه از این مکان‌ها هدف قرار گرفته‌اند و این امر تأیید شده‌اند، همانطور که [سازمان] دیده‌بان حقوق بشر اشاره می‌کند که هیچ حضور سپاه پاسداران [در این اماکن مورد هدف] تأیید نشده است. طبق نظر شعبه تجدیدنظر دیوان رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق که در در پرونده کوپرشکیچ، تصریح شد: [اصل] تناسب، خطرات ملموس غیرنظامی را در برابر مزیت پیش‌بینی‌شده [نظامی] مورد سنجش قرار می‌دهد.

محدودیت‌های تسلیحاتی که در حال حاضر اجرایی هستند نیز در خور توجه است: ماده ۳۵(۲) پروتکل اول [الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو]، روش‌های [جنگی] بیش از حد غیرانسانی^{۳۰} را ممنوع می‌کند؛ کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص (۱۹۸۰) استفاده از مواد آتش‌زا در نزدیکی غیرنظامیان را محدود می‌کند. در حالی که موشک‌های تاماهاوک آمریکایی و مهمات دقیق اف ۳۵ اسرائیلی پیشرفته هستند، در صورت نادرست بودن اطلاعات، ممکن است از کار [هدف‌گیری منطبق با موازین حقوقی بین‌المللی مذکور] بیفتند و منجر به مسئولیت مطلق [عامل ارتكاب جنایت] شوند. در مورد سرزمین‌های اشغال شده، ماده ۴۹(۴) [کنوانسیون چهارم ژنو] این مقرر را مطرح می‌کند که بی‌مکان سازی [مردم تحت اشغال]، به ویژه در رابطه با عملیات زمینی بالقوه ممنوع است.^{۳۱}

سازوکارهای اجرا و پاسخگویی

موارد نقض [حقوق مخاصمات] منجر به مسئولیت کیفری فردی طبق ماده ۸ اساسنامه رم (جنایات جنگی) می‌شود؛ با این حال، عدم تصویب [اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی] توسط ایالات متحده و اسرائیل، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را محدود می‌کند - با این وجود، الحاق فلسطین [به دیوان کیفری بین‌المللی] اجازه تحقیقات در مورد اقدامات اسرائیل را می‌دهد. صلاحیت جهانی،^{۳۲} دادگاه‌های داخلی را [برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی] توانمند می‌سازد؛ اصل نورمبرگ مسئولیت فرماندهی، رهبرانی مانند ترامپ را به دلیل صدور مجوز برای حملات غیرقانونی

^{۲۹}. این آمار دقیق نیست، اگرچه نفس حمله به بیمارستان و آواره ساختن دهها بیمار بستری در بیمارستان فقط به این بیمارستان در تهران محدود نبوده و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی متعددی در سراسر ایران را در بر گرفته است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۳۰} Excessively inhumane methods

^{۳۱}. نویسنده معلوم نکرده که ماده ۴۹ چه سندی مورد اشاره وی است. اما شایان ذکر است که ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو با عنوان «جلای وطن‌ها، انتقال‌ها، تخلیه‌ها» به موضوع اشغالگری و پیامدهای آن و الزامات بشردوستانه که باید رعایت شوند، پرداخته است. مطالب ذیل ماده مزبور در کنوانسیون چهارم ژنو و هم چنین مجموعه تفسیری ۱۹۵۸ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص مواد کنوانسیون، شماره گذاری ندارد اما در مجموعه تفسیری ۲۰۲۵ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد مواد کنوانسیون، شماره گذاری صورت گرفته و این ماده ۶ بند دارد. (توضیح افزوده بر متن)

^{۳۲} Universal jurisdiction

پاسخگو می‌داند. مسئولیت دولت، همانطور که در مواد طرح کمیسیون حقوق بین الملل (۲۰۰۱)^{۳۳} مشخص شده است، توقف [نقض موازین بین المللی] و جبران خسارت را ضروری می‌کند - شکایت آتی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری، وضعیت [مشابه] مربوط به سکوها‌های نفتی را منعکس می‌کند. ایران که کنوانسیون‌های ژنو را تصویب کرده اما پروتکل دوم [الحاقی به آن کنوانسیون‌ها] را به طور کامل تصویب نکرده است، با استناد به ماده ۵۱ [منشور ملل متحد] و ادعای نقض نظام مند [کنوانسیون‌های ژنو و دیگر موازین بین المللی توسط متجاوزان] به طور متقارن پاسخ‌های موشکی می‌دهد. سازوکارهای سازمان ملل بی‌اثر هستند: قطعنامه‌های شورای حقوق بشر [سازمان ملل] تجاوز را محکوم می‌کنند، اما اجرای آن به اراده سیاسی بستگی دارد.

کاربرد [قواعد] در مورد مخاصمه [حاضر]

در این مخاصمه، برابر بند ۴ ماده ۲ [منشور ملل متحد] به طور کلی حملات اولیه ایالات متحده و اسرائیل در وجه فقدان [هر گونه] حمله مسلحانه [از سوی ایران علیه آمریکا و اسرائیل] اقدامی ممنوع [و مردود] است و عملکرد نیروهای نیابتی مانند حوثی‌ها [در یمن] معیار انتساب به دولت [ایران] را برآورده نمی‌کند در حالی که مواضع مقامات ایالات متحده و اسرائیل با این محتوا مطرح شده که قاطعانه از حملات هوایی خود در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ دفاع می‌کنند و ادعا دارند که این اقدامات دفاع جمعی قانونی طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل است. آنها برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان یک تهدید وجودی توصیف می‌کنند که مستلزم مداخله فوری بوده است. دولت رئیس‌جمهور [آمریکا] دونالد ترامپ، گزارش‌های از طبقه‌بندی خارج شده‌ای را منتشر کرد که برابر آنها ادعا شده ایران "برنامه‌های مخفی"^{۳۴} برای تولید ۱۰ کلاهک هسته‌ای تا اواسط سال ۲۰۲۶، همراه با انتقال فناوری به نیروهای نیابتی مانند حزب الله و حوثی‌ها دارد و از این طریق اقدامات پیش‌دستانه^{۳۵} برای جلوگیری از فاجعه [ادعایی] را توجیه می‌کند.

نمایندگان پنتاگون بر اساس اطلاعات دقیقی که از منابع موساد و سیا به دست آمده بود، تأکید کردند که سانتریفیوژهای زیرزمینی در نطنز و فردو را که تا ۹۰٪ خلوص غنی شده بودند، تنها چند هفته تا تسلیحاتی شدن فاصله داشته‌اند. این روایت، حملات را نه به عنوان اقدامات تجاوزکارانه، بلکه به عنوان یک پاسخ ضروری معرفی می‌کند و نمونه‌های تاریخی را منعکس می‌سازد که در آنها صرفاً یک احتمال، اقدام [مشابه] را در پی داشته است. اسرائیل به

^{۳۳}. عنوان کامل سندی که از میان کارهای کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل بدان اشاره کرده است، بشرح زیر است:

Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, 2001

^{۳۴}. Secret plans

^{۳۵}. Pre-emptive actions

دکترین «بگین» همیشگی خود- که پس از حمله اوسیراک^{۳۶} به رآکتور عراق در سال ۱۹۸۱ نامگذاری شده^{۳۷} اشاره می کند که اقدامات یکجانبه علیه تهدیدات هسته ای نوظهور را برای حفظ برتری نظامی کیفی مجاز می داند. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر [اسرائیل]، استدلال کرد که ذخایر ایران با بیش از ۲۰۰۰ موشک بالستیک - که قادر به حمله به تل آویو هستند - همراه با محاصره نیروهای نیابتی [ایران]، حس فوریت ملموس^{۳۸} [اقدام را] ایجاد کرده [فلذا] معیارهای کارولین مبنی بر «ضرورت فوری و طاقت فرسا^{۳۹} که هیچ گزینه ای برای انتخاب راه دیگر [به جز حمله نظامی] باقی نماند» را برآورده می کند.

سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، لیندا توماس- گرینفیلد، در جریان بحث های [جلسه] شورای امنیت، این دیدگاه را تکرار کرد و اظهار داشت که حقوق عرفی در حال تکامل^{۴۰} پس از [واقعه] یازده سپتامبر، از دفاع پیشدستانه^{۴۱} در برابر بازیگران غیردولتی ادغام شده در زرادخانه های دولتی حمایت می کند و آن را از پرونده نیکاراگوئه (۱۹۸۶) متمایز می کند. [در این روایت]، مشروعیت دفاع جمعی [آمریکا و اسرائیل] از درخواست رسمی اسرائیل ناشی می شود که عملیات بمب افکن های بی ۲ و اف ۳۵ ایالات متحده را تحت عنوان [بهره مندی از] حقوق ذاتی تسهیل می کند. [در این روایت، هم چنین] لفاظی های ناظر به تغییر رژیم، از جمله ادعای ترامپ مبنی بر «آزادسازی» ایرانیان پس از ترور [آیت الله خامنه ای] خامنه ای، به موازات [عملیات با ادعای] از بین بردن زیرساخت های ترور سپاه پاسداران - هم اسرائیل و هم آمریکا سپاه پاسداران را یک نهاد تروریستی تلقی کرده اند^{۴۲} مطرح می شود. گزارش های پس از عملیات، [منتشره از سوی] پنتاگون ادعا می کنند که نرخ دقیق اصابت ۹۸ درصدی، [صدمه زنی به] غیرنظامیان [در ایران] را به حداقل رسانده و به موازات آن [مصادیق جنایت باری] [چون مدرسه میناب] به تاکتیک های سپر انسانی

^{۳۶} Osirak raid

^{۳۷} . برخلاف نظر نویسنده، بسیاری از آثار مکتوب یادآوری کرده اند که اسرائیل این دکترین را از اوایل دهه شصت میلادی برای خود برگزیده و در موارد مختلف بر اساس آن عمل کرده است فلذا اینطور نبوده که بعد از ۱۹۸۱ با این توجیهات من درآوردی و مبتنی بر این راهبرد نامشروع به کشورهای دیگر حمله کند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۳۸} palpable sense of urgency

^{۳۹} Instant overwhelming necessity

^{۴۰} Evolving customary law

^{۴۱} Anticipatory defence

^{۴۲} . کار دولت های غربی از جمله آمریکا عجیب است که از یکسو بخشی از نیروهای مسلح ایران را با عنوان تروریسم مورد برچسب زنی منفی و تحریم های ادعایی خود قرار داده اند و از سوی دیگر برای مدیریت تهاجماتی که در مقام دفاع مشروع علیه اهداف و منافع آنها صورت می گیرد از همان نهاد می خواهند که وارد مذاکره شود و به توافقی نائل آید تا بتوانند از مخصمه نجات یابند. این روند به خوبی نشان می دهد که این قبیل عنوان گذاری ها ربطی به حقوق و قانون ندارد بلکه کاملاً سیاسی و با اهداف ژئوپلیتیک و امنیتی صورت گرفته و در واقع کلیت نظام سیاسی ایران و حتی تمامیت ایران هدف آنها است. هدفی که قطعاً با مقاومت ملت ایران هیچگاه به نتیجه نخواهد رسید و ناکام پایان می یابد. (توضیح افزوده بر متن)

ایران نسبت داده می‌شود، جایی که گفته می‌شود سپاه پاسداران در مناطق پرجمعیت مستقر می‌شود و [بدین ترتیب] بار [اثبات رعایت اصل] تناسب [در جنگ] تغییر پیدا می‌کند. [مجموعه این روایت ها و] مواضع، منطق پیشگیرانه دکتترین بوش^{۴۳} را منعکس می‌کنند، اما تاکیدشان بر فوریت [اقدام] را از طریق اطلاعات ماهواره‌ای و سایبری در لحظه محرز می‌دانند و [با این توضیح و تفسیرها] از متحدان [خود] می‌خواهند که ارزش بازدارندگی حملات [آنها] علیه گسترش سلاح‌های هسته‌ای [ایران] را به رسمیت بشناسند.

استدلال‌های مخالف: تخلفات ادعایی

تقریباً به اتفاق آرا، کارشناسان حقوقی بین‌المللی، حملات اولیه ایالات متحده و اسرائیل را به عنوان تجاوز غیرقانونی طبق ماده ۲(۴) محکوم می‌کنند، که فاقد مجوز شورای امنیت یا [وجود] حمله مسلحانه قبلی است. بن سائول، گزارشگر ویژه سازمان ملل [در موضوع مقابله با تروریسم در عین رعایت حقوق بشر]، به وضوح بیان کرد: "حملات ایالات متحده و اسرائیل دفاع مشروع محسوب نمی‌شود... هیچ حمله مسلحانه‌ای از سوی ایران علیه هیچ یک از این دو کشور صورت نگرفته است." "در غیاب تأیید [این اقدام توسط شورای امنیت ملل متحد برابر] فصل هفتم [مشتور] - که با تهدید و توی ایالات متحده [هرگونه تصمیم‌گیری در شورای امنیت] مسدود شده است - اقدام پیشدستانه [از سوی آمریکا و اسرائیل] نامعتبر است؛ مذاکرات [دوجانبه ایران و آمریکا] با میانجیگری عمان منجر به تعهدات ایران برای محدود کردن غنی‌سازی [خود] به ۶۰٪ شد، استدلال "راه و وسیله دیگری برای انتخاب باقی‌نمانده بود" را نفی کرد.

"اطلاعات درز کرده از پنتاگون، که در گزارش‌های الجزیره به آن اشاره شده است، تعهد ایران به خودداری از آغاز خصومت‌ها را مگر اینکه تحریک شود، تأیید می‌کند، که این امر مفهوم تهدید قریب‌الوقوع را تضعیف می‌نماید." [فلذا] استاندارد کارولین فرو می‌ریزد: هیچ تهدید «فوری و فراگیری» وجود نداشت، زیرا بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چند روز قبل هیچ انحرافی [در برنامه‌های هسته‌ای ایران] به سمت برنامه‌های نظامی نشان نداد. حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده سکوه‌های نفتی (۲۰۰۳) اقدامات جدی و قابل انتساب دولتی را [برای استناد به دفاع مشروع] ضروری می‌داند - فعالیت‌های نیابتی مانند حملات حوثی‌ها معیارهای «کنترل مؤثر»^{۴۴} [مورد تاکید دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده] نیکاراگوئه را برآورده نمی‌کند.

^{۴۳} Bush Doctrine preventive logic

^{۴۴} Effective control

عنوان گذاری [اقدام آمریکا و اسرائیل] به عنوان «جنگ تجاوزکارانه»، اصول تثبیت شده توسط دادگاه نورنبرگ (۱۹۴۶) را مورد استناد قرار می دهند:

برنامه ریزی چنین جنگی [علیه ایران] «جنایت بین المللی اعظم» تلقی می شود که شامل همه جرایم مرتبط می شود. جلسه اضطراری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اول مارس [۲۰۲۶]، با ارجاع به قطعنامه اتحاد برای صلح (قطعنامه شماره ۳۷۷)، خواستار توقف فوری [تجاوز به ایران] شد و آن را طبق تعاریف قطعنامه شماره ۳۳۱۴ (۱۹۷۴) مجمع عمومی ملل متحد، غیرقانونی اعلام کرد.

نقض حقوق ناظر به دوران جنگ، مسائل را پیچیده تر می کند: حمله به مدرسه دخترانه میناب (۱۶۵ کودک)، سالن ورزشی لامرد (۱۸ نوجوان) و بیمارستان گاندی (بیش از ۲۰۰ بیمار) مواد ۴۸ [ناظر به لزوم رعایت] (اصل تفکیک)، ۵۱ (۴) [ناظر به لزوم پرهیز از] (حملات کورکورانه) و ۵۲ [ناظر به ممنوعیت هدف گیری] (اشیاء و اماکن غیرنظامی) پروتکل الحاقی اول ژنو را نقض می کند که مفروض است [بر اساس موازین بین المللی، همه این مصادیق ذکر شده] جزو موارد حمایت شده اند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود - چنین مدرک [خلافی] ارائه نشده است.

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، این اقدامات را به عنوان "نقض های فاحش"^{۴۵} محکوم کرد و با وجود عدم تصویب [اساسنامه دیوان کیفری بین المللی توسط سه طرف درگیر این مخاصمه]، خواستار تحقیقات اولیه توسط دیوان کیفری بین المللی شد. اقدامات تلافی جویانه^{۴۶} ایران از طریق عملیات وعده صادق چهار، در حالی که تنش ها را تشدید می کند، به طور متقارن با استناد به ماده ۵۱ [منشور] تا زمان مداخله شورای امنیت در حال اجراست. طبق رویه های دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق، مسئولیت فرماندهی، رهبران را در قبال تلفات غیرنظامی قابل پیش بینی پاسخگو می داند.

پیامدهای گسترده تر برای نظم جهانی

مخاصمه جاری ایالات متحده، اسرائیل و ایران که اکنون وارد هفته دوم خود تا ۹ مارس ۲۰۲۶ می شود، شکاف های قابل توجهی را در چارچوب سازمان ملل متحد آشکار کرده و نظم پس از جنگ جهانی دوم را که برای جلوگیری از درگیری های قدرت های بزرگ از طریق اقدامات امنیتی جمعی ایجاد شده بود، به خطر می اندازد. سازوکار وتوی ۵ عضو دائم - به ویژه تمایل ایالات متحده برای استفاده از آن - عملاً قابلیت های اجرایی شورای امنیت [سازمان ملل]

^{۴۵} Grave breaches

^{۴۶} Reprisals

را فلج کرده و قطعنامه‌های فصل هفتم را در برابر اقدامات تجاوزکارانه اعضای دائم یا متحدان آنها بی اثر کرده است. دیپلمات‌های روسیه و چین این وضعیت را به عنوان "استثناگرایی غربی"^{۴۷} مورد انتقاد قرار داده‌اند، در حالی که مخفیانه سیستم‌های دفاع هوایی اس‌چهارصد^{۴۸} و تجهیزات الکترونیکی دو منظوره را در اختیار ایران قرار می‌دهند و در عین حال حملات نظامی را در بیانیه‌های هماهنگ از سوی کشورهای عضو بریکس محکوم می‌کنند.

این رویکرد گرینشی، بدبینی را تقویت می‌کند که یادآور استانداردهای دوگانه تاریخی مانند حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ است، جایی که وتوهای ایالات متحده از عدم رعایت بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حمایت می‌کرد. چنین [رفتارهای] بی ثباتی، جهان‌شمولی منشور [ملل متحد] را تضعیف می‌کند و قدرت‌های متوسط را تشویق می‌کند تا در محیطی که فاقد پاسخگویی تلقی می‌شود، به دنبال بازدارنده‌های هسته‌ای مستقل باشند. این مخاصمه، بحث‌های سرکوب‌شده طولانی مدت در مورد مداخلات «غیرقانونی اما مشروع»،^{۴۹} به‌ویژه با لشکرکشی ناتو در کوزوو در سال ۱۹۹۹، را احیا می‌کند. در آن مورد، استدلال‌های بشردوستانه - با هدف جلوگیری از جنایاتی مشابه آنچه در سربرنیتسا رخ داد - نقض بند ۴ ماده ۲ [منشور ملل متحد] را کتمان می‌کرد، زیرا به دلیل مخالفت روسیه، هیچ مجوزی از سوی شورا وجود نداشت.

محققان حقوقی، از جمله برونو سیمما،^{۵۰} این را به عنوان سابقه‌ای که هنجارهای تثبیت‌شده را نقض می‌کند، مورد انتقاد قرار داده‌اند، با این حال، این امر اقدامات یکجانبه را مشروعیت بخشیده و زمینه را برای الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ به بهانه «مسئولیت به حمایت» (R2P)^{۵۱} فراهم کرده است. در این چارچوب، اقدامات پیشدستانه ایالات متحده و اسرائیل علیه قابلیت‌های هسته‌ای ایران، با توجیه اخلاقی مشابهی بکار گرفته شده است - «نجات میلیون‌ها نفر از تروریسم هسته‌ای» - که [این رویکرد] به تدریج تابوی استفاده از زور را مضمحل می‌سازد. این وضعیت خطرات متقابل را به دنبال دارد: ایران در حال بررسی فناوری شکافت هسته‌ای کره شمالی است، ترکیه در حال تسریع توسعه

^{۴۷} Western exceptionalism

^{۴۸} . معلوم نیست نویسنده این ادعاها را بر چه مبنایی مطرح کرده است چون هیچ منبع معتبری از جمله از سوی دو کشور ایران و روسیه اعلام نکرده‌اند که چنین سیستم‌هایی به ایران منتقل شده است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۴۹} . دولت‌های غربی در گذشته هر جا نتوانسته‌اند تجاوزات خود را بر اساس همان موازین بین‌المللی که بیشترین نقش را در شکل‌گیری آنها داشته‌اند توجیه کنند، مدعی شده‌اند که بر اساس موازین فعلی راهکاری نیست و می‌تواند توصیف غیرقانونی توسط برخی مخاطبان پیدا کند اما قطعاً کار ما مشروع است چون اهداف درستی را پیگیری کرده‌ایم. این رویکرد در واقع نیات پلید را اخلاقی و انسانی مفروض می‌گیرد سپس قواعد حقوقی مورد پذیرش جهانی را دور می‌زند تا به هدف مورد نظر نائل آید. (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۰} : Bruno Simma

^{۵۱} : Responsibility to Protect

زرادخانه خود است و عربستان سعودی در حال تسریع تلاش‌های فرآوری اورانیوم خود است و در نتیجه، [این روندها] انسجام پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را از بین می‌برد.

از نظر منطقه‌ای، تشدید تنش‌های نیابتی نشان دهنده ظرفیت درگیری گسترده‌تر است. حملات پهپادهای حوثی‌ها، دریای سرخ را مسدود کرده و منجر به غرق شدن دو نفتکش سعودی و افزایش ۴۰۰ درصدی نرخ بیمه باب المندب شده است؛ رگبار ۵۰۰۰ موشکی حزب‌الله، گنبد آهنین اسرائیل را در هم شکسته و به درگیری‌هایی در ارتفاعات جولان منجر شده است. جنگنده‌های اف-۱۵ عربستان اکنون در حال گشت‌زنی در آب‌های خلیج فارس هستند، ترکیه پهپادهای بایراکتار را علیه نیروهای نیابتی سپاه پاسداران^{۵۲} در ادلب مستقر کرده است و آزمایش‌های شاهین-۳ پاکستان نشان دهنده موضع بازدارندگی است. قیمت نفت از ۱۵۰ دلار در هر بشکه گذشته است - برنت ۱۶۲ دلار و وست تگزاس اینترمدیت ۱۵۸ دلار - و باعث ایجاد شوک‌های عرضه جهانی شده است: تلاش اروپا برای [دریافت] گاز طبیعی مایع / ال‌ان‌جی وابستگی این قاره را به روسیه تشدید کرده است، در هند نرخ تورم مصرف‌کننده (CPI) به دلیل [وابستگی] ۸۵ درصد واردات هند به خلیج [فارس] به ۸٫۲ درصد رسیده است و شاخص مدیران خرید^{۵۳} بخش تولید چین به دلیل کمبود مواد پتروشیمی به زیر ۴۸ واحد رسیده است. پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول هشدار می‌دهد که تا سه ماهه سوم ۲۰۲۶، تولید ناخالص داخلی جهانی ۱٫۵٪ کاهش یابد؛ کاهشی که با اختلالات دوران همه‌گیری کووید-۱۹ قابل مقایسه است

در داخل کشور، ایالات متحده با بحران‌های قانون اساسی روبرو است. رد قطعنامه اختیارات جنگی دو حزبی توسط سنا در ۴ مارس - با رأی ۵۲ در برابر ۴۸ در راستای خطوط حزبی - با بند [نحوه] اعلام جنگ^{۵۴} مقرر در ماده ۱، بخش ۸، [قانون اساسی] که [مقرر می‌سازد رئیس‌جمهور باید برای اعلام جنگ از کنگره مجوز بگیرد و] یادآور منازعات در دوران ویتنام است، در تضاد است. قطعنامه ۳۸ کنگره که توسط نماینده مَسی (جمهوری‌خواه-کنتاکی) ارائه شد، خروج نیروها را ظرف ۶۰ روز الزامی می‌کند، مگر اینکه تأییدیه کنگره اخذ شود، که [این قطعنامه] ۱۲۰ نفر از حامیان را در بحبوحه اختلافات درون حزب جمهوری‌خواه به سوی خود جلب کرده است: انزواطلبان ماگا^{۵۵} با

^{۵۲}. معلوم نیست نویسنده از چه نیروهایی صحبت می‌کند چرا که مدتهاست هیچ نیروی ایرانی یا همفکر با ایران در سوریه وجود ندارند و حکومت سوریه در اختیار تروریست‌های دیروز و کت و شلواریهای امروز دوست آمریکا و ترکیه و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۳} PMI (Purchasing Managers' Index)

^{۵۴} War declaration clause

^{۵۵} MAGA (Make America Great Again)

تندروهای نومحافظه کار مانند هگزت که طرفدار «پیروزی کامل» هستند، در تضاد هستند. دادگاه‌های فدرال آماده‌اند تا به دعای اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا^{۵۷} که ادعا می‌کنند [توسط دولت] از قانون مجوز استفاده از زور^{۵۷} بیش از حد استفاده می‌شود، رسیدگی کنند. نظرسنجی‌های عمومی نشان می‌دهد که ۵۴ درصد [در آمریکا با جنگ جاری علیه ایران] مخالف هستند و این امر به بی‌ثباتی در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ کمک می‌کند. کنست اسرائیل با درخواست‌های عدم اعتماد از سوی احزاب عرب مواجه است، در حالی که ائتلاف نتانیاو به حمایت راست افراطی متکی است که [اعطای] کمک‌های مالی را به الحاق کرانه باختری [به سرزمین‌های اشغالی] مشروط می‌کند.

برای هند، که به عنوان ستون بی طرف در بریکس و بازیگر کلیدی در گفت و گوهای امنیتی چهار جانبه (کوآد)^{۵۸} عمل می‌کند، جنگ جاری، استقلال راهبردی آن را به چالش می‌کشد. وابستگی این کشور به واردات نفت - که ۸۵٪ آن از نقاط حساس خلیج [فارس] تأمین می‌شود - منجر به افزایش تورم شاخص قیمت مصرف کننده به ۷٫۹٪، کاهش ۱۲ درصدی ارزش روپیه به ۸۸ روپیه در هر دلار آمریکا و ثابت ماندن نرخ بهره بانک مرکزی هند^{۵۹} به ۷٪ شده است. تحویل سامانه‌های اس ۴۰۰ روسی به ایران، روابط مرتبط با توافقنامه امنیتی ارتباطاتی^{۶۰} ایالات متحده و هند را پیچیده می‌کند و دولت مودی را مجبور به حفظ بی طرفی محتاطانه می‌کند: بیانه‌های اجلاس بریکس در گوا [هند]^{۶۱}، خواستار کاهش تنش بدون ذکر صریح نام متجاوزان شده است، در حالی که گشت‌زنی‌ها در منطقه اقیانوس هند - در کنار ناو هواپیمابر یو اس اس آیزنهاور - نشان دهنده یک بار مشترک است. اثرات موجی بالقوه

^{۵۶} ACLU (American Civil Liberties Union)

^{۵۷} AUMF (Authorization for Use of Military Force)

قانون مزبور در سال ۲۰۰۱ پیرو واقعه یازدهم سپتامبر با حمایت هر دو حزب آمریکا به تصویب رسید و به دولت وقت اجازه داد تا علیه القاعده و عوامل حادثه مزبور اقدام نظامی به عمل آورد. متعاقب آن نیز روسای جمهور آمریکا با استناد به این مصوبه به صورت یکجانبه اقدامات نظامی را در اقصی نقاط دنیا انجام داده اند که همین امر موجب شده که پس از ۲۰۲۱ چندین نوبت در کنگره آمریکا بحث لغو مصوبه مزبور و پایان دهی به امکانی که روسای جمهور می توانند بدون مشورت و اخذ مجوز از کنگره جنگ هایی را دامن زنند، مطرح شده است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۸} Quad (The Quadrilateral Security Dialogue)

این گفتگوهای چهار جانبه امنیتی شامل هند، آمریکا، استرالیا و ژاپن است (توضیح افزوده بر متن)

^{۵۹} RBI (The Reserve Bank of India)

^{۶۰} COMCASA (Communications Compatibility and Security Agreement)

^{۶۱} نویسنده معلوم نکرده که کدام اجلاس بریکس را مد نظر دارد چون در سال ۲۰۲۶ اجلاس وزاری خارجه بریکس در اردیبهشت ۱۴۰۵ در دهلی نو برگزار میشود و هجدهمین اجلاس سران بریکس نیز قرار است در سپتامبر ۲۰۲۶ برگزار شود. در ماه مارس همزمان با زمان نشر مقاله حاضر چندین نشست موضوعی بریکس برگزار شده که عناوین آنها در سایت بریکس ۲۰۲۶ منعکس گردیده است. تحلیل گران پیش بینی می کنند که به جهت ارتباطات خاص هند با آمریکا و هم چنین حضور امارات در زمره اعضای بریکس، بعید است که بریکس موضع قاطعی علیه متجاوزان به ایران در جنگ رمضان بگیرد. این در حالی است که بریکس چون ملاحظات فوق را نداشت در تیرماه سال ۱۴۰۴ بعد از جنگ ۱۲ روزه موضعی مشخص اتخاذ و حمله به ایران را با صراحت محکوم کرد. (توضیح افزوده بر متن)

هسته‌ای، تهدیدی برای دکتترین عدم کاربرد اول [سلاح هسته ای]^{۶۲} است و موضع تسلیحات تاکتیکی پاکستان، خطرات در کشمیر را افزایش می‌دهد. در حوزه اقتصادی، بنادر آدانی^{۶۳} از کاهش ۳۰ درصدی حجم بارگیری و تخلیه در بندر موندرا^{۶۴} خبر می‌دهد و وجوه ارسالی از سوی مهاجران [هندی مقیم] خلیج [فارس] نیز به نصف کاهش یافته است

در درازمدت، ثبات رژیم‌های عدم اشاعه هسته‌ای در معرض خطر است. معامله ان پی تی^{۶۵} معاهده عدم اشاعه هسته ای) که برابر آن کشورهای غیرهسته‌ای در ازای تضمین‌های امنیتی، سلاح‌های هسته‌ای را کنار می‌گذارند، در حال متزلزل شدن است، زیرا بازسازی فردو توسط ایران،^{۶۶} پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به چالش می‌کشد و بازتابی از فرار [از تعهدات هسته ای] کره شمالی در سال ۲۰۰۶ است. ولیعهد عربستان سعودی، محمد بن سلمان،^{۶۷} متعهد شده است که سازوکارهای پاسخگویی، شکاف‌های بی‌کیفرمانی را پر کنند.^{۶۸} صلاحیت قضایی جهانی [رسیدگی به جنایات بین‌المللی در سطح دادگاه‌های ملی کشورها] - همانند قانون ۱۹۹۳ بلژیک، اصلاحات ۲۰۰۹ اسپانیا - امکان پیگرد قانونی ترامپ و نتانیاهو را به دلیل تجاوز فراهم می‌کند. (ماده ۸ مکرر اساسنامه رم، علیرغم عدم تصویب).^{۶۹} دادگاه‌های ترکیبی، مدل‌سازی شده از [صلاحیت، ترکیب و نحوه فعالیت] دادگاه ویژه سیرالئون،

^{۶۲} The no-first-use doctrine

^{۶۳} Adani Ports

^{۶۴} Mundra

^{۶۵} The bargain of the NPT

^{۶۶} . معلوم نیست نویسنده این ادعا را مبتنی بر چه منبعی ذکر کرده چرا که نه ایران و نه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هیچ گزارشی مبنی بر بازسازی فردو پس از بمباران آمریکا ارائه نکرده‌اند. به علاوه، حتی اگر بازسازی یک مرکز اختصاص یافته برای کاربرد های مسالمت آمیز هسته ای بازسازی شود چه ربطی دارد که معاهده عدم اشاعه هسته ای از بین برود یا تجربه کره شمالی تکرار شود خصوصاً که ایران صراحتاً اعلام کرده که با ساخت سلاح هسته ای از حیث دینی مخالف و این سلاح جزو تسلیحات راهبرد دفاعی ایران نیست. ضمناً توقف بازدید های پادمانی آژانس بر ایران نیز به حمله آمریکا به مراکز صلح آمیز هسته ای ایران بر خلاف حقوق بین‌الملل و عدم موضعگیری شایسته آژانس در دفاع از عضو خود و موازین بین‌المللی مربوط می‌شود که تا عوامل جنایت مزبور پاسخگو نشوند، طبیعتاً تعلیق تعهدات ایران قابل انتظار است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۶۷} Prince MBS

^{۶۸} . معلوم نیست که منظور نویسنده از تعهد بن سلمان برای پاسخگویی و بی‌کیفرمانی چیست. آیا منظور پاسخگویی در قبال قتل فجیع چند سال قبل خاشقچی در ترکیه توسط عوامل عربستان است یا مصداق دیگری را مد نظر دارد. هم چنین معلوم نیست تعهد بن سلمان چه ارتباطی با بحث حاضر و پارل های پراکنده مختلفی دارد که نویسنده در انتهای مقاله بدانها اشاره می‌کند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۶۹} . احتمالاً منظور نویسنده عدم تصویب اساسنامه رم توسط آمریکا یا اسرائیل است و تأکید وی بر اینکه مصداق جنایات ترامپ و نتانیاهو برابر ماده ۸ اساسنامه به خوبی قابل شناسایی است. ماده ۸ مصداق جنایات جنگی و عناصر هر مورد را به تفصیل معلوم کرده است. ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز جنایت تجاوز را تبیین کرده است. (توضیح افزوده بر متن)

تخصص دیوان کیفری بین المللی را با کمک‌های موقت / موردی دولت‌ها ترکیب می‌کنند و زنجیره‌های فرماندهی سپاه را هدف قرار می‌دهند.^{۷۰}

مواد طرح کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت (۲۰۰۱) جبران خسارت را الزامی می‌کند: ادعاهای ۵۰۰ میلیارد دلاری ایران برای [جبران حمله به] نظنز، جلوه‌هایی از سوابق پرونده مربوط به سکوها‌های نفتی در سال ۲۰۰۳ [علیه آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری] را بازتاب می‌دهد.

در نهایت، این آزمون سخت، اهمیت دیپلماسی چندجانبه را برجسته می‌کند. فصل ششم [منشور ملل متحد]، که به حل و فصل مسالمت‌آمیز از طریق مساعی جمیله، میانجیگری و داوری می‌پردازد، باید جایگزین استفاده از زور شود، همانطور که در کمپ دیوید (۱۹۷۸) نشان داده شده است. احیای حل اختلاف، هنجارها را در برابر هرج و مرج چندقطبی تقویت می‌کند: ریاست هند بر گروه ۲۰ می‌تواند «توافقات تهران»^{۷۱} را تسهیل کند که این خود می‌تواند بریکس، توافقات چهار جانبه امنیتی (کوآد) و توافقات ابراهیم را برای ایجاد تفاهات کاهش تنش تلفیق کند.^{۷۲} بدون اصلاحات هماهنگ، [و با وجود] اجرای گزینشی [موازن بین المللی]، منشور [ملل متحد] تهدید می‌شود و خطر گسترش بی‌نظمی آشوب گونه در زمان وجود رقبای هم‌تراز افزایش می‌یابد. بازگرداندن حرمت بند ۴ ماده ۲ [منشور ملل متحد] نیازمند تعهد سیاسی جمعی است، در غیر این صورت ممکن است شاهد تکرار سقوط به ورطه‌ی هرج و مرج دهه‌ی ۱۹۳۰ باشیم.

نتیجه‌گیری

^{۷۰}. این اظهار نظر نویسنده معلوم نیست از چه زاویه‌ای مطرح شده است چون در حال حاضر که چنین روندهایی موضوعیت ندارد. احتمالاً این اشاره نویسنده ناظر به برخی پیش‌بینی‌های وی در خصوص تحرکات برخی دولت‌ها در آینده است. وی ظاهراً احتمال می‌دهد که در آینده برخی دولتها با مدل برداری از دادگاه سیرالئون به سمت شکل دهی چنان دادگاههایی قدم بردارند تا بزعم خود مسئولان بخشی از نیروهای مسلح ایران را متهم نموده و در معرض فرایندهای کیفری قرار دهند. احتمالاً همان دولت‌هایی که حامی متجاوزان به ایران بوده‌اند به سمت این قبیل روندها ممکن است بروند. موفقیت در این روندها تابع لابی‌های سیاسی بین المللی لازم برای مجاب کردن برخی نهادهای بین المللی و آمادگی‌های داخلی کشوری است که قرار است وارد این نقش آفرینی شود (توضیح افزوده بر متن)

^{۷۱} Tehran Accords

^{۷۲}. معلوم نیست منظور وی از توافقات تهران کدام توافقات است آیا توافقات بین هند و ایران مورد نظر است یا توافقات دیگری که در گذشته حاصل شده یا منظور تسهیل انعقاد توافقاتی در آینده در تهران است. به علاوه معلوم نیست نویسنده چگونه چند حلقه توافقات سیاسی بین المللی که هر یک ماهیت و جهت‌گیری جداگانه دارند را می‌خواهد با هم تلفیق کند و همه را در خدمت کاهش تنش مورد نظرش قرار دهد. (توضیح افزوده بر متن)

جنگ ایالات متحده-اسرائیل-ایران در سال ۲۰۲۶ به وضوح آسیب‌پذیری محدودیت‌های حقوق بین‌الملل در استفاده از زور را در دورانی که با توانمندی بالقوه هسته‌ای [بسیاری از کشورها] و درگیری‌های نیابتی مشخص می‌شود، برجسته می‌کند، جایی که نابرابری در قدرت، فرسایش هنجارها را تشدید می‌کند. این مخاصمه که با حملات پیشدستانه منجر به ترور آیت‌الله خامنه‌ای و تخریب قابلیت‌های هسته‌ای ایران، آغاز شد - که اکنون شامل نیابتی‌های منطقه‌ای و فجایع غیرنظامی می‌شود - مواد ۲ (بند ۴) و ۵۱ منشور سازمان ملل را تا حد نهایی خود به چالش می‌کشد.

ادعاهای ایالات متحده و اسرائیل مبنی بر دفاع پیشدستانه از خود، بر اساس دکترین بگین و معیارهای کارولین، اگرچه از نظر راهبردی^{۷۳} استوار به نظر می‌رسند، اما در تضاد با الزامات دیوان بین‌المللی دادگستری برای [لزوم وقوع] حملات مسلحانه واقعی [علیه آنها قبل از هر گونه دفاع ادعایی] هستند و بنابراین، این عملیات‌ها طبق قطعنامه ۳۳۱۴ [مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تعریف تجاوز] به عنوان تجاوز مفروض طبقه‌بندی می‌شوند. به علاوه، این جنگ که با نقض حقوق ناظر به دوران جنگ در [مصادیقی چون] میناب، لامرد و بیمارستان گاندی و فقدان شواهد/ ادله معتبر استفاده دوگانه [مکان‌های مزبور برای اهداف نظامی و غیر نظامی] ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده است، [وقوع] اصل «جنایت اعظم» [مورد اذعان دادگاه] نورنبرگ را در معرض استناد قرار داده فلذا علی‌رغم موانعی که فراروی دیوان بین‌المللی کیفری است، پاسخگوئی [عوامل ارتکاب این جنایت اعظم] ضرورت دارد.

پیامدهای این مخاصمه، ساختار جهانی را دچار شکاف کرده است: فلج شدن حق و توی پنج عضو دائم شورای امنیت، اقدامات بی‌ملاحظه را از راکتورهای هسته‌ای ترکیه گرفته تا تحولات هسته‌ای عربستان سعودی مورد ترویج قرار می‌دهد. شوک‌های اقتصادی - قیمت نفت ۱۶۰ دلاری و کاهش ۱,۵ درصدی تولید ناخالص داخلی - تنش‌های چندقطبی را تشدید می‌کند و شکاف میان بریکس - توافقات چهارجانبه امنیتی (کوآد) و هم‌چنین موضع عدم تعهد/ بی‌طرفی هند را تحت فشار قرار می‌دهد.

شکاف‌های داخلی در ایالات متحده، آن‌گونه که در قطعنامه مشترک کنگره (H.Con.Res.38) بازتاب یافته است، نشان‌دهنده چالش‌های قانون اساسی در آینده نزدیک هستند.

^{۷۳}. احتمالاً منظور نویسنده راهبردهای سیاسی و امنیتی مبتنی بر بی‌عدالتی و سیطره طلبی است و آلاً از منظر راهبردهای مبتنی بر رعایت قانون و اخلاق و انسانیت هیچگاه چنین اقداماتی را نمی‌توان قابل قبول از حیث راهبردی توصیف کرد. (توضیح افزوده بر متن)

بازسازی وضعیت [موجود] به عزم و اراده بستگی دارد: تشکیل مجدد اتحاد برای صلح، انجام اصلاحات در [روند] و توی گزارشات گروه کارشناسان ملل متحد (GGE)،^{۷۴} [انعقاد] یک برجام^{۷۵} جدید شماره ۲ در دوحه، و دادگاه‌های ترکیبی برای اجرای جبران خسارت‌ها و پیگرد قانونی ضروری هستند. دیپلماسی تحت فصل ششم [منشور ملل متحد] ناظر به روش‌های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و صلح‌سازی - که بازتاب دهنده توافقاتی چون کمپ دیوید است - باید جایگزین اقدامات یکجانبه شود، و رهبری هند در گروه ۲۰ "توافقی‌نامه‌های تهران" را تسهیل کند. عدم دستیابی به این امر منجر به هرج و مرج خواهد شد. موفقیت، برتری قانون/ حقوق را مجدداً تأیید می‌کند و از تکرار دهه ۱۹۳۰ جلوگیری می‌نماید

از سیاست‌گذاران خواسته می‌شود که با فوریت اقدام کنند: منشور [ملل متحد] نه تنها از طریق کلمات مکتوب، بلکه از طریق اراده جمعی ملت‌ها زنده می‌ماند.

References:

۱. Al Jazeera. (2026, March 3). Are US-Israeli attacks against Iran legal under international law? <https://www.aljazeera.com/news/2026/3/3/are-us-israeli-attacks-against-iran-legal-under-international-law>
۲. Al Jazeera. (2026, March 6). Iran war: What is happening on day seven of US-Israel attacks? <https://www.aljazeera.com/news/2026/3/6/iran-war-what-is-happening-on-day-seven-of-us-israel-attacks>
۳. CBS News. (2026, March 3). Hegseth says U.S. "just getting started" in Iran war. <https://www.cbsnews.com/live-updates/us-iran-war-israel-strikes-tehran-lebanon-day-5-al-udeid-targeted/>
۴. DAWN. (2026, March 1). UN General Assembly: Demand end to illegal US-Israel war on Iran. <https://dawnmena.org/un-general-assembly-demand-end-to-illegal-us-israel-war-on-iran/>
۵. Deutsche Welle. (2026, March 4). Did the US-Israel strikes on Iran break international law?

^{۷۴}. نویسنده معلوم نکرده که کدام گروه کارشناسان ملل متحد (Group of Governmental Experts) را مورد نظر دارد چون چندین گروه کارشناسان یا GGE در قالب سازمان ملل فعالیت می‌کنند مثلاً گروه کارشناسان دولتی در زمینه سیستم‌های سلاح‌های خودمختار مرگبار که معمولاً با نام GGE on LAWS شناخته می‌شود، گروهی از متخصصان دولتی هستند که تحت چارچوب کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص (CCW) به عنوان یک چارچوب کنترل تسلیحات سازمان ملل متحد، تأسیس شده‌اند. این گروه، سوالات حقوقی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی ناشی از افزایش استفاده از ربات‌های خودمختار برای حمل سلاح و برنامه‌ریزی جهت شرکت در نبرد در موقعیت‌های مختلف، از جمله نبردهای بین کشورها، یا گشت‌زنی در مناطق مرزی یا مناطق حساس یا سایر نقش‌های مشابه، را بررسی می‌کند. علاوه بر این گروه کارشناسان دولتی مربوط به شفافیت و تدابیر اعتماد ساز در فضای مافرای جو یا گروه کارشناسان دولتی مربوط به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) و موارد متعدد دیگر از جمله گروه‌های کارشناسان دولتی هستند که معمولاً برابر قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در موضوعات مختلف شکل می‌گیرند تا مطالعات و بررسی‌های لازم را در موضوع مأموریت انجام دهند و گزارش حاصله و توصیه‌های خود را ارائه کنند. (توضیح افزوده بر متن)

^{۷۵}. JCPOA (the Joint Comprehensive Plan of Action): Iran nuclear deal

<https://www.dw.com/en/did-the-usisrael-strikes-on-iran-break-international-law/a-76203543>

٦. Justia. (2025). Use of force under international law.

<https://www.justia.com/international-law/use-of-force-under-international-law/>

٧. Lieber Institute. (2024). The meaning of prohibited “use of force” in Article 2(4)

<https://lieber.westpoint.edu/meaning-prohibited-use-force-article-24-un-charter/>

٨. The Conversation. (2026). Neither preemptive nor legal: US-Israeli strikes on Iran.

<https://theconversation.com/neither-preemptive-nor-legal-us-israeli-strikes-on-iran-have-blown-up-international-law-277173>

٩. The Guardian. (2026, March 2). What is the legality of the US and Israeli attacks on Iran?

<https://www.theguardian.com/law/2026/mar/02/legality-us-israel-attacks-iran-uk>

١٠. United Nations. (n.d.). UN Charter, Article 51

١١. <https://legal.un.org/repertory/art51.shtml>

١٢. . United Nations. (n.d.). UN Charter, Article 2(4)

١٣. https://legal.un.org/repertory/art2/english/rep_supp7_vol1_art2_4.pdf

